

به نیت تنبیه تادیبی آنان، به‌طور ملموس مشاهده شود. ۲۰ نوامبر برابر با ۲۹ آبان به عنوان «روز جهانی اتحاد سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) برای پیشگیری از کودک‌آزاری» نامگذاری شده است. چه خوب است که سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حمایت از کودکان، افزون بر اقدام‌های قضایی-اجرایی، خود ابتکار عمل در زمینه تحقیقات، مطالعات و اطلاع‌رسانی عمومی درباره انواع کودک‌آزاری را بدست گرفته و بدین‌سان «غیرانسانی» و ناموثر بودن تنبیهات و تادیب‌های خشونت‌آمیز کودکان و نوجوانان را از نظر پرورشی به تدریج در فرهنگ جامعه نهادینه کنند.

کودکان و نوجوانان در سال ۸۱، مشهور به قانون «مجازات کودک‌آزاری»، مقالات، کتابها و پایان‌نامه‌های زیادی به جنبه‌های مختلف «کودک‌آزاری» که رقم سیاه آن در آمارهای جنایی بالا می‌باشد، اختصاص داده شده است، ولی با توجه به عدم تفکیک جامعه بین تادیب متعارف و اذیت و آزاری که دارای پیامدهای سنگین است، خوب است این مطالعات به‌ویژه در سطح میدانی آن گسترش پیدا کند و نتایج آنها به اطلاع خانواده‌ها، اولیاء مدارس، دانش‌آموزان، ماموران پلیس، قضات دادگستری و به‌طور کلی جامعه برسد تا بدین‌سان آثار کنونی و آتی خشونت‌های خانگی و نهادی علیه اطفال، حتی



نویسنده: مریم عباچی

کودک‌آزاری

در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد که جهت مهار و کنترل آن علاوه بر مداخله حقوقی به ویژه حقوق کیفری، مداخلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نیز ضروری است. از این جهت در نوشتار حاضر کودک‌آزاری به عنوان یک معضل

کودک‌آزاری به عنوان یک پدیده بشری، همواره در تمام جوامع وجود داشته و با تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی و پدید آمدن نظام‌های منسجم، شکل و نحوه برخورد با آن متفاوت شده است. این پدیده ریشه

اجتماعی که امروزه با توجه به اشکال نوین و پیچیدگی آن، سیاستگذاران را بیش از پیش حساس نموده است، بررسی خواهد شد.

۱- مفهوم کودک آزاری

با توجه به اینکه کودک آزاری دارای ابعاد وسیعی است، تاکنون تعریف واحدی از آن مورد توافق قرار نگرفته است. تنوع تعریف این پدیده، در نظام های حقوقی و همچنین در ادبیات جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نشان‌دهنده پیچیدگی، اهمیت و چند بعدی بودن آن است. هر چند باید متذکر گردید، تعاریف مختلفی که از کودک آزاری ارایه شده است تا حد زیادی به هم نزدیک می‌باشند.

برای ارایه تعریفی جامع از کودک آزاری باید به معیارهای مشترک در تعاریف موجود مراجعه نمود. با توجه به این نکته، کودک آزاری عبارت است از هر گونه سوءرفتار، سوءاستفاده یا سهل‌انگاری توسط دیگران نسبت به کودک که به نوعی به سلامت جسمی و روانی وی آسیب برساند.

باید توجه نمود که اصطلاح کودک آزاری که دربرگیرنده برخی جرایم علیه کودک است، بیشتر توسط جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و جرم‌شناسان به کار رفته و نظام حقوقی نیز به تبعیت از آن، واژه کودک آزاری را وارد قوانین نموده است هر چند که برخی از قانونگذاران به جای کاربرد اصطلاح کودک آزاری، اصطلاح بزه‌دیدگی کودک را به کار می‌برند.

کودک آزاری به معنای تمامی جرایم علیه کودکان نیست بلکه به جهت ویژگی هایی که در این پدیده وجود دارد واکنش نسبت به این جرایم متفاوت از سایر جرایم علیه کودکان است.

ویژگی هایی که برخی جرایم را مشمول قوانین مربوط به کودک آزاری می‌نماید، ماهیت این جرایم است که می‌تواند آثار زیانباری را بر جسم و روان کودک بگذارد و به این ترتیب تدابیر حمایتی برای کودکانی که مورد آزار

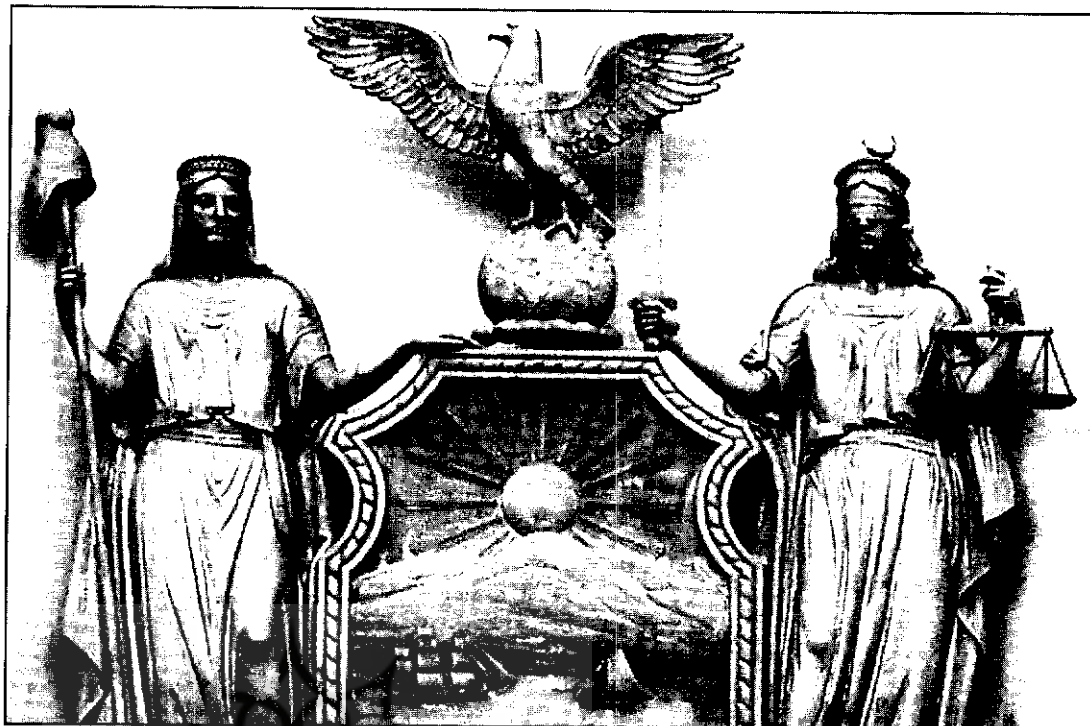
و اذیت یا سهل‌انگاری قرار گرفته اند تحت شمول قوانین مربوط به کودک آزاری اعمال می‌گردند. به عنوان مثال جرم جنسی علیه کودک با توجه به ماهیت آن می‌تواند کودک را از نظر جسمی و روحی متاثر سازد و سالهای مدید و حتی تا پایان زندگی، او را درگیر کند. بنابراین حمایت از چنین کودکی لازم است به ویژه با توجه به بعد فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی این پدیده، حمایت همه جانبه جهت جبران خسارت و کاهش آلام او می‌تواند تا حد زیادی در بازاجتماعی شدن کودک موثر باشد. جرم جنسی علیه کودک از جرایمی بوده که تحت عنوان کودک آزاری مطرح می‌گردد و این در حالی است که برخی از جرایم مانند آسیب دیدن در اثر تصادف رانندگی و جرم مالی علیه وی حتی اگر عمدی باشد از مصادیق کودک آزاری نمی‌باشند، هر چند جرم علیه کودک بوده و کودک در این جرایم بزه‌دیده می‌گردد.

کودک آزاری از آن جهت که از یک سو، ریشه در مسایل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دارد و از سوی دیگر به این دلیل که غالباً توسط والدین، سرپرستان قانونی یا اشخاصی که به نحوی عهده دار مراقبت از کودکان هستند ارتکاب می‌یابد، علاوه بر حمایت کیفری، حمایت های مالی، اجتماعی، حقوقی، پزشکی و روانی را می‌طلبد. آثار زیانباری که به دنبال پدیده کودک آزاری به طور خاص در کودک و به طور کلی در جامعه پدید می‌آید از مواردی است که توجه سیاستگذاران حقوق کیفری را جهت مقابله با آن به خود جلب نموده و با توجه به تنوع و پیچیدگی این پدیده و اشکال نوین آن، اصلاحاتی را جهت مداخله قانونی با توجه به عالی ترین منافع کودک ضروری می‌نماید.

۲- انواع کودک آزاری

کودک آزاری به اشکال مختلفی نمایان می‌گردد و بیشتر

همانطور که ذکر شد آزار و اذیت جسمی صدمه ای است که در نتیجه تعرض جسمانی بوجود می آید در حالی که تنبیه بدنی استفاده از قدرت جسمی به قصد ایجاد درد در بدن کودک است، نه به قصد آسیب زدن و مهمتر اینکه تنبیه بدنی اصولاً به منظور اصلاح رفتار کودک یا مهار او می باشد.



از مصادیق دیگر سوءاستفاده جسمی سندرم کودکان تکان خورده، سوءمصرف مواد مخدر یا الکل طی بارداری یا حتی زمان شیردهی است. سالانه، تعداد زیادی از کودکان، توسط نزدیکانشان مورد سوءاستفاده جسمی قرار می گیرند، و در نتیجه شماری از آنان می میرند و برای کودکانی که زنده مانده اند آثار روحی و روانی، عمیق تر از آثار سوءاستفاده جسمی بوجود می آید.

۲-۲- سوءاستفاده جنسی

سوءاستفاده یا آزار و اذیت جنسی کودک عبارت است از هرگونه فعالیت جنسی میان فرد بزرگسال و کودک و شامل موارد زیر می گردد:

هرگونه تعدی و تعرض بدنی کودک به منظور لذت جنسی مانند مجبور کردن کودک به عریان نمودن خود؛ دست زدن به بدن کودک؛ بکارگیری کودک در هرگونه تولیدات هرزه نگاری اعم از فیلم، مجله، عکس؛ تطمیع کودک برای برقراری رابطه جنسی از طریق اینترنت یا هر وسیله دیگر؛ نشان دادن کودک در فعالیت های جنسی بزرگسالان؛ نشان دادن اندام جنسی کودک؛ اجبار کودک به مشاهده فعالیت های

نظام های حقوقی سوءاستفاده جسمی، جنسی، عاطفی و سهل انگاری جسمی، عاطفی و تحصیلی را از مصادیق کودک آزاری می دانند هر چند که در تعریف مصادیق، گاهی تفاوت هایی وجود دارد.

سوءاستفاده عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی نسبت به کودک که موجب صدمه جسمی، جنسی و روانی او گردد و شامل سوءاستفاده جسمی، جنسی و عاطفی است.

۲-۱- سوءاستفاده جسمی

سوءاستفاده یا آزار و اذیت جسمی عبارت است از صدمه ای که در نتیجه تعرض جسمی علیه کودک و در نتیجه اعمال زیر بوجود آید:

ضرب و جرح، کتک زدن، هل دادن، تکان دادن، پرت کردن، نیشگون گرفتن، خفه کردن، سیلی زدن، سوزاندن با آب گرم، سیگار و یا هر وسیله داغ دیگر، کشیدن مو و بالاخره تنبیه بدنی که منجر به صدمه شود.

تنبیه بدنی با سوءاستفاده جسمی یا آزار و اذیت جسمی و بدنی تفاوت دارد گرچه تنبیه بدنی به راحتی می تواند از حد خود خارج شده و منجر به سوءاستفاده جسمی شود.

ضروری باشد، کوتاهی کردن در ثبت نام کودکی که به سن مدرسه رسیده یا کوتاهی در تأمین آموزشهای خاص و ضروری، اجازه گرفتن بیش از حد از مدرسه برای غیبت کودک، عدم مهرورزی، علاقه، مهربانی، عدم توجه به نیازهای عاطفی کودک و بی تفاوت بودن نسبت به وی.

۳- عوامل مؤثر در کودک آزاری

پدیده کودک آزاری به عوامل زیادی بستگی دارد که برخی از آنها منشأ بیرونی دارد و برخی درونی. علاوه بر این بعضی از این عوامل به تنهایی و برخی دیگر در کنار عوامل دیگر موجب بروز سوءاستفاده از کودکان و سهل انگاری نسبت به آنها می شود. در این بخش صرف نظر از عوامل فراگیر مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... به بررسی عواملی که بطور مستقیم در ظهور این پدیده مؤثر است یعنی عوامل وابسته به خانواده و مدرسه که از زمره عوامل بیرونی هستند و عوامل وابسته به خود کودک، که درونی می باشد، می پردازیم.

۳-۱- عوامل وابسته به خانواده و جایگزین آن

خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی یکی از مهمترین بنیادهایی است که نقش مؤثر در رشد و پیشرفت کودک دارد. هر گونه نقص و کوتاهی در امر تربیت توسط مادر و پدر یا اولیاء و سرپرستان قانونی یا هر کسی که مسوولیت مراقبت از کودک را به عهده دارد، می تواند موجب آزار و اذیت جسمانی یا سهل انگاری گردد.

نظارت بیش از حد والدین، بی توجهی به شکل گیری شخصیت کودک، تلقین به اطاعت مسلم از خانواده، کوتاهی در تعلیم مهارت هایی که کودک باید در خانواده کسب نماید، سهل انگاری و بی توجهی خانواده نسبت به رفتارهای ناسازگارانه کودک، حمایت بیش از حد از کودک در مقابل خطر که کودک را از هر گونه مقابله با خطر بدون مداخله

جنسی؛ نقل داستانهای غیراخلاقی؛ بهره کشی کودک برای ارتباط جنسی با دیگران و هر گونه فعالیت دیگر جنسی اعم از آمیزش با کودک، زنا با محارم، زنا به عنف، ارتباط جنسی از راه دهان، لواط، بچه بازی و غیره.

سوءاستفاده جنسی می تواند در حد وسیعی از نظر روانی و عاطفی به کودک صدمه وارد آورد و برای مدت های زیاد و یا به صورت پایدار او را درگیر کند.

۲-۳- سوءاستفاده عاطفی

سوءاستفاده یا آزار و اذیت عاطفی عبارت است از هر گونه حالت، رفتار یا کوتاهی در رفتار اشخاصی است که به نحوی با سلامت روانی و عاطفی و همچنین اجتماعی کردن کودک سر و کار دارند. آزار و اذیت روانی می تواند واجد اثرات منفی روان پزشکی یا روان شناسی بیش از آزار و اذیت جسمی باشد. سوءاستفاده عاطفی یا روانی شامل هر گونه آزار شفاهی شامل موارد زیر است:

توهین، نکوهش، عیبجویی، انتقاد، تهدید، تمسخر، تحقیر، تبعیض، ترساندن، تقاضای غیرمعقول داشتن از کودک که از توانایی او خارج است و طرد کردن.

۲-۴- سهل انگاری

سهل انگاری یا بی توجهی یا غفلت عبارت است از کوتاهی و قصور والدین، سرپرستان قانونی و مراقبین کودک در تأمین نیازهای اساسی او. باید اشاره نمود که غالباً بزه دیدگان بی توجهی یا سهل انگاری شناسایی نمی شوند و مساله مهم در سهل انگاری به عنوان یکی از مصادیق کودک آزاری این است که یک بار بی توجهی که کودک را در معرض خطر جدی قرار ندهد نمی تواند به عنوان کودک آزاری محسوب شود اما تکرار آن قطعاً کودک آزاری است.

تأمین نیازهای اساسی کودک عبارتند از تأمین غذا، تهیه لباس مناسب با فصل، سرپرستی، ایجاد امنیت و توسعه بهداشت خانگی، مراقبت پزشکی و روانی اگر برای کودک



که آنها را آماج جرایم قرار می دهد، سن و جنس آنها است. اصولاً برخی از انواع کودک آزاری در سنین پایین تر اتفاق می افتد و برخی دیگر در سنین بالاتر. همچنین جنس نیز تأثیر مستقیم در نوع کودک آزاری دارد مثلاً دختران بیشتر از پسران مورد آزار جنسی قرار می گیرند.

علاوه بر ویژگیهای ذاتی، برخی از خصوصیات اکتسابی، کودکان را در مقابل بزه دیدگی آسیب پذیرتر می نماید. بیماریهای سخت، مزمن و طولانی جسمی و روانی یا ناتوانیهای جسمی و روانی می تواند کودک را از مقابله با برخی آسیب ها و یا جرایم ناتوان سازد یا به علت فشار روانی که کودک به دلیل عارضه جسمی بر دیگران بار می کند او را در معرض آزار و اذیت یا بی توجهی و سهل انگاری قرار دهد. مشکلات رفتاری - روانی مانند پرخاشگری، بی قراری، بیش فعالی، اضطراب، شبادراری، خودزنی، اقدام به خودکشی به علت مشکلاتی که برای بزرگسالان ایجاد می کند و نیز به سبب ناآگاهی والدین و سایر سرپرستان کودک و کسانی که به نحوی مراقبت از کودک برعهده آنان است، کودکان را در معرض آزار جسمی و روانی قرار می دهد.

۴- توزیع کودک آزاری

توزیع کودک آزاری براساس برخی شاخص ها قابل بررسی است که عبارتند از شاخص های مربوط به مرتکب، شاخصهای مربوط به خانواده و شاخص های مربوط به کودک.

۴-۱- شاخص های مربوط به مرتکب

- مرتکب پدر و مادر کودک باشد

غالب کودکانی که مورد سوءاستفاده یا سهل انگاری قرار می گیرند توسط پدر و مادر آزار می بینند. طبق تحقیقاتی که به عمل آمده سهل انگاری و بی توجهی پدر و مادر بسیار بیشتر از سوءاستفاده نسبت به کودکان است و سوءاستفاده روانی بیشتر از جسمی از طریق پدر و مادر اعمال می-

خانواده ناتوان سازد، تنبیه بدنی، توهین، تحقیر، مقایسه کردن کودک با دیگران، مجبور کردن کودک به کار کردن و تأمین معاش خانواده، مشاجرات شدید و طولانی مدت بین اعضاء خانواده، جمعیت زیاد خانواده، فقر فرهنگی و اقتصادی خانواده، ابتلاء پدر، مادر، اولیاء و سرپرستان قانونی و یا هر کسی که مسوولیت مراقبت از کودک را بر عهده دارد به بیماریهای صعب العلاج جسمی و روانی، اعتیاد اعضاء خانواده، بزهکار بودن یا بزه دیدگی مکرر آنان، وجود رفتارهای منحرفانه در خانواده و موارد مشابه می تواند کودک را در معرض آزار و اذیت جسمی و روانی یا سهل انگاری قرار دهد.

۳-۲- عوامل وابسته به مدرسه و مراکز تربیتی و

آموزشی

آموزش و پرورش کودک بعد از خانواده و در سن آموزشی کودک در کنار خانواده، به عهده مدرسه است. نقص نظام آموزشی به انحاء مختلف در فرآیند شکل گیری شخصیت کودک مؤثر است. رسمی بودن بیش از حد متعارف و معمول در الگوهای تعلیم و تربیت، وجود الگوی اقتدارمدار معلمین نسبت به دانش آموزان و باز داشتن تفکر خلاق آنها، عدم شناخت مربیان و مسوولان مدرسه از موازین صحیح تربیت و اصول آن، تبعیض، عدم در نظر گرفتن تفاوت های شخصی دانش آموزان توسط مربیان، ایجاد اضطراب و ترس در دانش آموزان، تنبیه بدنی، تحقیر و توهین، مقایسه دانش آموزان با یکدیگر، ابتلاء مربیان و مسوولان مدرسه به بیماریهای شدید جسمی و روانی، سبب می گردد کودک در معرض سوءاستفاده و سهل انگاری قرار گیرد.

۳-۳- عوامل وابسته به کودک

کودکان به لحاظ داشتن ویژگیهای ذاتی و حتی ویژگیهای اکتسابی به عنوان افراد آسیب پذیر می توانند در معرض خطر بزه دیدگی باشند. از مهمترین ویژگیهای ذاتی کودکان

سوءاستفاده جنسی قرار می گیرند. براساس اطلاعات فوق، کودکانی که با مادرشان زندگی می کنند احتمالاً کمتر مورد سهل انگاری قرار می گیرند تا کودکانی که با پدر زندگی می کنند.

- خانواده های کم درآمد

کودکانی که در خانواده های کم درآمد زندگی می کنند متحمل سوءاستفاده جدی قرار می گیرند. درآمد خانواده ارتباط مهمی با شیوع انواع مختلف بدرفتاری دارد. این کودکان بیشتر از کودکانی که در شرایط مناسب مالی به سر می برند در معرض سوءاستفاده و سهل انگاری قرار دارند.

- خانواده های پر جمعیت

تعداد اعضاء خانواده ارتباط مستقیم با افزایش سهل انگاری جسمی و تحصیلی دارد. کودکانی که در خانواده های پر جمعیت هستند - خانواده های دارای بیش از ۴ فرزند - بیشتر مورد سهل انگاری تحصیلی و جسمی قرار می گیرند، کودکان در خانواده های بزرگتر همچنین بیشتر از تک فرزندان متحمل سهل انگاری جسمی می شوند.

۴-۳- شاخص های مربوط به کودک

- جنسیت کودک

طبق تحقیقات به عمل آمده دختران بیشتر مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته و چند برابر بیشتر از پسران احتمال سوءاستفاده جنسی برای آنان وجود دارد. سوءاستفاده جنسی از کودکان بیشتر توسط مردان صورت می گیرد. در گزارش ها و آمارها، سوءاستفاده جنسی توسط مردان بیشتر منعکس می شود. البته نباید این مسئله را فراموش کنیم که رقم سیاه سوءاستفاده جنسی از کودک توسط زنان بالا است و همچنین نوع جرم جنسی زنان علیه کودک متفاوت و غیر مستقیم است. پسران بیشتر از دختران در معرض صدمات شدید هستند به علاوه پسران بیشتر از دختران مورد سهل انگاری عاطفی قرار می گیرند.

گردد. کودکان بیشتر توسط مادران مورد سوءاستفاده قرار می گیرند تا پدران و برخی از کودکان توسط هر دوی پدر و مادر مورد سوءاستفاده قرار می گیرند.

- مرتکب نسبت به کودک غریبه باشد

در سوءاستفاده جنسی، کودکان بیشتر از سوی افرادی غیر از پدر و مادر خود مورد آزار و اذیت قرار می گیرند هر چند تعداد کودکانی که مورد سوءاستفاده از سوی پدر و مادر قرار گرفته اند نیز قابل توجه است. در صورت اخیر کودکان بیشترین صدمه و آسیب را از سوی مرتکب متحمل می گردند.

- جنسیت مرتکب

در جرایم جنسی، غالب مرتکبین مرد می باشند و زنان در اقلیت هستند. هر چند که زنان یا مادران در برخی از جرایم جنسی علیه کودک (با توجه به نوع سوءاستفاده جنسی) نقش بیشتری دارند. کودکان بیشتر توسط مرتکبین زن مورد سهل انگاری قرار می گیرند تا مرد و این یافته ها مثبت این حقیقت است که چون مادران بیشتر مسوولیت مراقبت های اولیه از کودک را برعهده دارند، سهل انگاری و بی توجهی در این زمینه بیشتر از سوی مادران صورت می گیرد تا پدران.

۴-۲- شاخص های مربوط به خانواده

- کودکان تک سرپرست

کودکان تک سرپرست بیشتر در خطر سوءاستفاده جسمی و انواع سهل انگاری قرار دارند و متحمل صدمات بیشتری هم می شوند. کودکان تک سرپرست در مقایسه با کودکانی که با والدین زندگی می کنند بیشتر مورد سوءاستفاده جسمی، سهل انگاری جسمی یا تحصیلی و سایر اشکال سوءاستفاده و سهل انگاری قرار دارند.

در میان کودکان تک سرپرست، آنهایی که با پدران خود می باشند بیشتر از کودکانی که با مادران خود هستند مورد

- سن کودک

کودکان زیر ۱۲ سال خصوصاً آنهایی که ۶ تا ۱۱ ساله هستند بالاترین نرخ سوءاستفاده علیه کودکان را به خود اختصاص می دهند. سوءاستفاده جنسی تا ۲ سالگی به ندرت به وقوع می پیوندد و ۳ سال و بالاتر بیشتر مورد سوءاستفاده جنسی قرار می گیرند. خصوصیت جنسی و سنی از شاخص های مهم توزیع کودک آزاری است اگرچه نژاد نیز از شاخص های مربوط به کودک است اما در وقوع سوءاستفاده یا سهل انگاری نسبت به کودک، اهمیت زیادی ندارد.

۵- نتایج کودک آزاری

سوءاستفاده از کودکان و سهل انگاری نسبت به آنها می تواند نتایج زیانباری داشته باشد و کودک را طی دوران کودکی و حتی در دوران بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد. سوءاستفاده از کودک ممکن است منجر به آسیب های زیر گردد:

شکل گیری رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال در ارتباط کودک با دیگران؛ بیزاری، بیگانگی و گوشه گیری؛ افسردگی، اضطراب، عدم احترام به خود و احساس بی ارزش بودن؛ خود زنی؛ گرایش به خودکشی؛ سوء مصرف مواد مخدر در سطح وسیع؛ ایجاد تغییرات جدی در اشتهای بروز مشکلات در مدرسه و محل کار؛ اختلال در مسایل جنسی؛ بی نظمی های آشکار؛ فحشاء (به ویژه وقتی سوءاستفاده از نوع جنسی بوده است)؛ کابوس دیدن در خواب؛ شب ادراری؛ مرگ کودک یا مرگ فرد کودک آزار در صورتی که کودک با او به مبارزه برخاسته باشد.

۶- عوامل مؤثر در میزان اثرات تخریبی کودک آزاری

عوامل مختلفی بر میزان اثرات تخریبی موثرند که عبارتند از:

۶-۱- سن کودک؛ سن کودک در هنگام سوءاستفاده یا سهل انگاری نسبت به او از عوامل مهم به شمار می رود. معمولاً کودکان در سن پایین تر آسیب های بیشتری را متحمل می گردند هر چند که طول دوره سوءاستفاده یا سهل انگاری نیز ارتباط نزدیکی با متغیر سن دارد.

۶-۲- ارتباط فامیلی کودک با مرتکب؛ به طور کلی اثرات سوء رفتار و سهل انگاری وقتی که از سوی والدین یا مادر خوانده یا پدر خوانده یا بزرگسالانی که نسبت به کودک متعهد هستند صورت گیرد، بسیار بیشتر از زمانی است که کودک توسط افراد غریبه مورد کودک آزاری قرار گیرد.

۶-۳- واکنش نسبت به کودک مورد آزار؛ اگر در مواجهه با کودکی که مورد سوءاستفاده یا سهل انگاری قرار گرفته، پاسخ هایی از روی سرزنش یا بی تفاوتی یا پاسخهایی که موجب خجالت کودک شود، داده شود، می تواند به طور گسترده ای حتی بیشتر از خود سوءاستفاده ای که نسبت به کودک شده، زیان بار باشد.

۶-۴- شدت سوءاستفاده و سهل انگاری؛ میزان و شدت سوءاستفاده و سهل انگاری نسبت به کودک می تواند با میزان نتایج زیانبار، ارتباط مستقیم داشته باشد.

۶-۵- عمدی بودن سوءاستفاده و سهل انگاری؛ اگر سوءاستفاده و سهل انگاری تعمداً صورت گیرد، اثرات تخریبی بیشتری را به جا خواهد گذاشت.

۶-۶- طول مدت سوءاستفاده و سهل انگاری؛ هر چه مدت سوءاستفاده و سهل انگاری بیشتر باشد اثرات زیانبار در کودکان پایدارتر خواهد شد.

۷-۱- پیشگیری نخستین

پیشگیری نخستین یا همان پیشگیری اولیه مربوط به آموزش همگانی است که از این طریق از هر گونه سوءاستفاده نسبت به کودک قبل از وقوع آن جلوگیری می‌شود. افزایش آگاهی عموم در مورد مفهوم کودک‌آزاری، انواع و شیوه‌های آن و پیامدهای ناشی از آن و همچنین ارتقا سطح آگاهی افراد در خصوص علل و عوامل کودک‌آزاری و راه‌های جلوگیری از آن از طریق آموزش، از برنامه‌های پیشگیری نخستین است.

۷-۲- پیشگیری دومین

پیشگیری دومین یا همان پیشگیری ثانویه، ناظر است بر ارائه خدمات به ویژه به کودکان خانواده‌هایی که نیازهای ضروری آنها تأمین نشده که جهت بهبود شرایط زندگی آنها اجرای برنامه‌های پیشگیری ضرورت می‌یابد. برنامه‌های پیشگیری در سطح دوم می‌تواند اثر مستقیم در پیشگیری از کودک‌آزاری داشته باشد.

۷-۳- پیشگیری سومین

پیشگیری سومین یا همان پیشگیری ثالث که مربوط می‌شود به ارائه خدمات ویژه به بزرگسالان که قبلاً مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، کودکانی که مورد سوءاستفاده یا سهل‌انگاری واقع شده‌اند و این آزار و اذیت و سهل‌انگاری موجب ورود آسیب به جسم یا روان آنها شده است. پیشگیری در سطح سوم جهت کاهش اثرات زیانبار سوءاستفاده و سهل‌انگاری و بعد از وقوع کودک‌آزاری ارائه می‌گردد. هدف از پیشگیری در سطح سوم بیشتر ناظر بر پیشگیری از تکرار بزه دیدگی است.

۶-۷- قبح سوءاستفاده و سهل‌انگاری؛ میزان قبیح

بودن مصادیق سوءاستفاده و سهل‌انگاری نسبت به کودک از نظر خانواده و فرهنگ محلی می‌تواند در شدت آثار وارده بر کودک مؤثر باشد. هر چه عمل از نظر خانواده و فرهنگ محلی قبیح‌تر باشد اثرات تخریبی آن زیادتر است.

۶-۸- ارتباط عاطفی کودک با مرتکب؛ ارتباط عاطفی

کودک با مرتکب نیز یکی از مهمترین عوامل در این خصوص می‌باشد. مرتکب چه از اعضاء خانواده باشد چه غریبه، یا از مربیان تربیتی، آموزشی یا ورزشی باشد، با توجه به نوع رابطه عاطفی که بین مرتکب و کودک بوجود می‌آید می‌تواند در آثار زیانبار کودک‌آزاری مؤثر باشد. بنابراین اگر کودک با فرد مرتکب رابطه عاطفی مثبت داشته و از سوی او مورد سوءاستفاده یا سهل‌انگاری قرار گیرد، اثرات تخریبی در کودک بیشتر و پایدارتر خواهد بود.

۶-۹- میزان تحمل سوءاستفاده یا سهل‌انگاری

توسط کودک؛ اینکه تا چه حد سوءاستفاده یا سهل‌انگاری از سوی کودک قابل تحمل است و تا چه میزان کودک توانایی مهار آزار و اذیت را داشته و می‌توانسته بدون هیچ تهدیدی مانع آن شود، می‌تواند عامل مهمی برای میزان اثرات سوء ناشی از کودک‌آزاری به شمار آید. هر چقدر تحمل کودک کمتر و توانایی وی برای مهار آن کمتر باشد، آثار زیانبار، پایدارتر خواهد بود.

۷-۷- پیشگیری از کودک‌آزاری

پیشگیری از کودک‌آزاری از طریق تدوین برنامه‌های منسجم و هدف دار، مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. برنامه‌هایی که جهت پیشگیری از کودک‌آزاری اجرا می‌شود در قالب الگوهای متنوع ارائه می‌گردد. یکی از فراگیرترین الگوهای پیشگیری از کودک‌آزاری، پیشگیری در سه سطح نخستین، دومین و سومین می‌باشد.